

عنوان مقاله:

تحلیل و نقد مبانی روش‌شناختی اقتصاد مالی کلاسیک همراه با ملاحظات یافته‌های مالی رفتاری

محل انتشار:

دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، دوره 19، شماره 37 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسندگان:

حمید حسن پور - دانشجوی دکتری اقتصاد مالی، دانشگاه اصفهان

محمد واعظ برزانی - دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

عبدالحمید معرفی محمدی - استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اصفهان

سید مهدی امامی جمعه - دانشیار دانشکده ادبیات گروه معارف اهل بیت، دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

نظریه‌پردازی اقتصاد مالی کلاسیک بر فردگرایی روش‌شناختی در چارچوب معرفت‌شناسی دکارتی استوار شده است. بر مبنای این ساختار عقل‌گرا، سرمایه‌گذار بهره‌مند از عقلانیت نامحدود، خودخواهی نامحدود و اراده نامحدود است. براساس این سه فرض، اصول اولیه رفتار سرمایه‌گذار در قالب یک مجموعه اصل موضوعی، صوری‌سازی شده و همه قضایا و نظریات با استنتاج منطقی از اصول موضوعه تولید می‌شوند. این رویکرد روش‌شناختی مدعی است توانسته به شکل توصیفی و تجویزی، رفتار سرمایه‌گذار را در قالب اصل عامل بهینه‌یاب توصیف، تبیین و پیش‌بینی نماید؛ اما در عمل، رفتار مشاهده‌شده بازارهای مالی با آنچه این نظریات پیش‌بینی کرده‌اند فاصله معناداری دارد؛ به‌ویژه آنکه مشاهده بحران‌های مالی متعدد و ناتوانی این دانش در توضیح دلایل بروز آنها، اعتبار این دانش را خدشه‌دار نموده است. دیدگاه‌های رقیب از جمله ابزارگرایی، ساختارگرایی، نهادگرایی، رفتارگرایی و... تلاش کرده‌اند مبتنی بر باورهای خود توضیحی برای بحران‌های مالی ارائه نمایند. در این میان دیدگاه رفتاری دلیل عدم‌تحقق پیش‌بینیها را به وجود انواع سوگیری‌های رفتاری سرمایه‌گذاران نسبت می‌دهد؛ یعنی انتخاب واقعی افراد تحت تاثیر عوامل درونی و بیرونی منطبق با الگوی عامل بهینه‌یاب نیست و رفتار آنان فاصله قابل پیش‌بینی از الگوهای مدنظر مالی کلاسیک دارد. در سه دهه گذشته نظریه‌پردازان مالی رفتاری انواع سوگیری در رفتار سرمایه‌گذاران را شناسایی و دسته‌بندی کرده و ادبیات غنی دراینباره فراهم آورده‌اند؛ اما پرسش این مطالعه آن است که چرا باید توجه خود در یافتن منشا بحران‌ها را به رفتار سرمایه‌گذاران محدود نموده و دراینمیان نظریه‌پردازان را بری از هر نوع سوگیری بدانیم؟ از آنجاکه نظریه‌پردازان انسان هستند و روش نظریه‌پردازی در مالی کلاسیک نیز مبتنی بر عقلانیت است، احتمال وجود سوگیری در رفتار نظریه‌پردازان وجود ندارد؟ این مطالعه با روش استقهامی به بررسی مبانی، فرایند تکامل و چگونگی وفاداری اقتصاددانان به مبانی روش‌شناختی این دانش پرداخته و مواقعی را که محتمل است نظریه‌پردازان درگیر سوگیری‌هایی از روش این دانش شوند بررسی کرده است. براساس یافته‌های این پژوهش، نظریه‌پردازان مالی کلاسیک در دو موضوع انتخاب «روش نظریه‌پردازی» و انتخاب «ابزار ریاضی» درگیر سوگیری بوده‌اند و این عامل در کنار سوگیری‌های سرمایه‌گذاران، منتج به بحران اعتبار شده است. پیش‌نیاز رفع این اشکال، بازنگری در روش‌شناسی دانش اقتصاد مالی کلاسیک است که تحقق آن در ساختار فلسفی دانش مرسوم اقتصاد ممکن نیست.

کلمات کلیدی:

فلسفه اقتصاد، سوگیری، تناسب فلسفی، حکمت متعالیه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1747073>



